

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۲۹

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال ششم، شماره ۲۴، بهار ۱۳۹۷

ویژگی‌های شخصی امام مهدی علیه السلام در روایات معتبر اسلامی

مرتضی موحدی^۱

چکیده

از مباحث مهم در بحث مهدویت بحث پیرامون ویژگی‌های شخصی امام مهدی علیه السلام است این بحث در روایات اسلامی به ویژه در منابع شیعه و اهل سنت بسیار مورد توجه قرار گرفته است در این نوشتار سعی در این است که ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام که در روایات معتبر و مشترک فریقین بیان شده است، بررسی شود روش تحقیق، تفکیک روایات معتبر از غیر معتبر است تا شیوه پژوهش، علمی و منطقی باشد برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از مهدی موعود علیه السلام فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام همانام پیامبر صلی الله علیه و آله، کشیده بینی و بلند پیشانی.

واژگان کلیدی

امام مهدی علیه السلام، روایات اسلامی، اشتراک، ویژگی‌های شخصی.

۱. سطح سه حوزه و استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم (movahedi56@gmail.com).

مقدمه

در این تحقیق پیرامون ویژگی‌ها و خصوصیات شخصی امام مهدی علیه السلام از دیدگاه فریقین مباحثی ارائه خواهد شد برخی از این مباحث مربوط به نسب و نام ایشان است و این که ایشان از چه خاندانی بوده و فرزند چه کسانی هستند و نامشان چیست و پاره‌ای دیگر از این مباحث به اوصاف ظاهری ایشان ارتباط دارد.

پیش از این که وارد اصل موضوع این تحقیق شویم، سزاوار است به عنوان مقدمه یک پرسش اساسی و مهم را مطرح و به آن پاسخ دهیم. آن پرسش این است که هدف از بیان ویژگی‌های شخصی امام مهدی در روایات چیست و اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اولیاء دین به بیان این ویژگی‌ها به چه منظوری بوده است؟

پاسخ این است که یکی از دلایل بیان ویژگی‌های شخصی مهدی موعود علیه السلام، تشخیص مهدی واقعی از افرادی بوده است که ممکن است با ادعای مهدویت سبب انحراف مردم بشوند. البته نمی‌خواهیم ادعا کنیم که این ویژگی‌ها به تنهایی برای تشخیص درست مهدی موعود علیه السلام کافی است بلکه قطعاً به علائم و نشانه‌های دیگری همانند نشانه‌های ظهور هم نیازمندیم زیرا ممکن است مشابه ایشان در این اوصاف وجود داشته باشد ولی بیان ویژگی‌های شخصی بخشی از معیار و میزانی است که برای جلوگیری از انحراف پیش بینی شده است و مجموع این ویژگی‌ها و نشانه‌های دیگر می‌تواند به عنوان معیاری کامل برای تشخیص مهدی واقعی ارائه گردد و این نشان از دوراندیشی، دقت و توجه ویژه‌ای است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اولیاء دین نسبت به مباحث مهدویت و مقابله با مدعیان دروغین مهدویت داشته‌اند.

مؤید پاسخ پیشین، روایتی است که مرحوم نعمانی آن را نقل می‌کند:

حمران بن أعین می‌گوید: به امام باقر عرض کردم: شما را به خویشاوندی و بستگی که با رسول خدا دارید از شما می‌پرسم آیا تو صاحب این امر و قائم بدان هستی؟ فرمود: نه، عرض کردم: پدر و مادرم فدای تو، پس او چه کسی است؟ فرمود: او شخصی است سرخ و سفید دارای چشمانی گود و فرو رفته، و ابروانی پرپشت و برجسته و شانه‌ای پهن و بر سرش حزاز (پوسته‌ای که از سر فرو می‌ریزد) است و بر صورتش اثری، خداوند موسی را

رحمت کند.^۱

همان گونه که ملاحظه می شود در روایت بالا امام باقر برای معرفی مهدی موعود ویژگی های ظاهری و بدنی ایشان را بیان می کند پس روشن می شود که یکی از کارکردهای بیان اوصاف شخصی و ظاهری، شناخت مهدی واقعی است.

مرحوم اربلی در همین رابطه ضمن تاکید بر علامت بودن و دلالت گری اوصاف شخصی و ظاهری امام مهدی علیه السلام در فائده این علامت می نویسد:

از آن جا که رسول الله صلی الله علیه و آله مهدی علیه السلام را به صفات متعددی همانند نسب و اسم او و این که از فرزندان فاطمه علیها السلام و عبدالمطلب است، و گشاده پیشانی و کشیده بینی است و ویژگی های دیگر توصیف فرموده و این اوصاف و ویژگی ها را دلالت کننده و علامت برای مهدی موعود علیه السلام قرار داده و به دنبال آن احکامی که در روایات برای مهدی موعود علیه السلام بیان شده است جریان پیدا می کند. پس از ثبوت علامت بودن این صفات، مشاهده می کنیم این صفات تنها در ابوالقاسم محمد فرزند حسن بن علی عسکری علیه السلام جمع است. در این صورت لازم است به حکم علامت بودن این صفات ایشان را همان مهدی موعود علیه السلام مذکور در روایات دانسته و احکام و دستوراتی که پیرامون ایشان بیان شده را اجرا نماییم و اگر با وجود گرد آمدن این صفات و علائم در ایشان وی را همان مهدی موعود علیه السلام روایات ندانیم با علامت قرار دادن این صفات از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله مخالفت کرده ایم و مخالفت با رسول خدا صلی الله علیه و آله شرعاً امکان ندارد. (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۳۹)

ویژگی های نسب و نام امام مهدی علیه السلام

امام مهدی علیه السلام از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

از موضوعات مشترک میان شیعه و اهل سنت در معارف مهدوی این است که مهدی علیه السلام از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

روایات شیعه

این موضوع که مهدی موعود از اهل بیت و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله است از مسلمات عقائد شیعه

۱. «حَدَّثَنَا أَبُو سَلِيمَانَ أَحْمَدُ بْنُ هُوْدَةَ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ التَّمَاهُوْنَدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَمَادٍ الْأَنْصَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بُكَيْرٍ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ التَّابِقِ عليه السلام... فَقُلْتُ سَأَلْتُكَ يَقْرَأَتِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ وَالْقَائِمُ بِهِ قَالَ لَا قُلْتُ فَمَنْ هُوَ يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي فَقَالَ: «ذَاكَ الْمُشْرَبُ حُمْرَةَ الْغَائِرُ الْغَيْثِيْنَ الْمُشْرِفُ الْحَاجِبِيْنَ الْعَرِيضُ مَا تَبَيَّنَ الْمُنْكَبِيْنَ بِرَأْسِهِ خَزَاوُ وَبُؤْجِهِهِ أَتْرُجِحَمُ اللَّهُ مُوسَى» (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۱۵).

است. و دلیل آن روایات فراوانی است که با نگاه به مجموع آن‌ها می‌توان به درستی تواتر آنها را ادعا نمود. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۵۷، ۲، ۲۵۸، ح ۳ و ۲۶۴، ۱۰، ۲۸۶، ح ۲ و ۳؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۰۸؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۰، ۱۸۶، ۱۸۸، ۴۵۶؛ القمی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۱۴۳، ۱۴، ۲۸۹، ج ۲، ۶۸، ۱۲۹، ۲۷۵، ۳۱۷، ۳۶۶ و ۴۲۵؛ حمیری، ۱۴۱۴ق: ۸۰ و ۳۱۷)

افزون بر این برخی روایات معتبر نیز بر این موضوع دلالت دارند.

شیخ صدوق چنین نقل می‌کند:

امام صادق از پدرانش روایت می‌کند که از علی در معنی این کلام رسول خدا ﷺ که «من دوشیء نفیس در میان شما نهادم کتاب خدا و عترتم» پرسیدند که؛ عترت چه کسانی هستند؟ فرمود: من و حسن و حسین و امامان نه‌گانه که از فرزندان حسین هستند و نهمین آنها مهدی و قائم آن‌هاست از کتاب خدا جدا نشوند و کتاب خدا نیز از آنها جدا نشود تا آن که بر رسول خدا در حوض کوثر وارد شوند.^۱

شیخ طوسی چنین نقل کرده است:

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: به درستی که مهدی ﷺ از خاندان و اهل بیت من است (قطعاً) در آخر الزمان قیام می‌کند...^۲

افزون بر این، روایاتی که مهدی موعود ﷺ را فرزند پیامبر ﷺ (همین نوشتار، ۶-۷) و فرزند فاطمه زهرا ﷺ (همین نوشتار، ۸-۹) و فرزند امام حسین ﷺ معرفی می‌کنند نیز از دلایل

۱. «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَنِ مَعْنَى قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي مِنَ الْعِترَةِ فَقَالَ: أَنَا وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْأَئِمَّةُ التَّاسِعَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِغُهُمْ مَهْدِيَهُمْ وَقَائِمُهُمْ لَا يَفَارِقُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَلَا يَفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرُدُّوا عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَوْضَهُ (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۴۰-۲۴۱). محمد بن زیاد در واقع احمد بن زیاد است زیرا آن کسی که شیخ مرحوم صدوق است و از علی ابن ابراهیم روایت می‌کند، احمد بن زیاد است نه محمد بن زیاد رک؛ خوبی، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۱۲۸ سند حدیث معتبر است و راویان آن احمد بن زیاد (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۶۹) و علی بن ابراهیم (جواهری، ۱۴۲۴ق: ۳۸۰) و ابراهیم بن هاشم (خوبی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ۲۹۰-۲۹۱) و محمد بن ابی عمیر (همو: ج ۱۵، ۲۹۱) و غیاث بن ابراهیم (همو: ج ۱۴، ۲۵۰) همگی گفته‌اند.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ الْمُقَرِّي عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ الْمَقَانِعِيِّ عَنْ بَكَّارِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ سُفْيَانَ الْجَرِيرِيِّ عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ حَصْبِرَةَ عَنْ عُمَارَةَ بْنِ جُوَيْنِ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ عَلَى الْمِنْبَرِ: «إِنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَنْزِلُ لَهُ مِنَ السَّمَاءِ قَطْرًا وَتُخْرَجُ لَهُ الْأَرْضُ بَدْرَهَا فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَهَا الْقَوْمُ ظُلْمًا وَجَوْرًا» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۰).

بحث فعلی (امام مهدی علیه السلام) از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می‌روند^۱ زیرا از نظر شیعه، اهل بیت و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و فرزندان ایشان می‌باشند. (شرف‌الدین، ۱۴۱۷ق: ۲۲۹؛ مکارم، ۱۳۷۹ش: ج ۱۷، ۲۹۸-۳۰۳؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق: ج ۸، ۵۵۸-۵۶۰؛ حویزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ۲۷۰-۲۷۷؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۴ش: ج ۴، ۱۸۷-۱۸۹)

روایات اهل سنت

روایات فراوانی در منابع اهل سنت وجود دارد که مهدی موعود علیه السلام را از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌شمارد. (ابی داود، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۸۸، ح ۴۲۸۴؛ ابن ماجه، ۱۴۲۴ق: ج ۲، ۱۳۶۷، ح ۴۰۸۵؛ ابن ابی شیبیه، ۱۴۲۶ق: ج ۸، ۶۷۸، ح ۱۹۴ و ۱۹۰؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۱۸۳، ح ۶۴۵؛ طبرانی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰، ۱۳۵، ح ۱۰۲۲۴؛ متقی هندی، ۱۴۰۵ق: ج ۱۴، ۲۶۷، ح ۳۸۶۷۵)

از جمله ابن ماجه در سنن از حضرت علی علیه السلام نقل کرده است که:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی از ما اهل بیت است خداوند کار او در شبی اصلاح می‌کند.^۲

به جز ابن ماجه، بسیاری از محدثان اهل سنت نیز این حدیث را با اسناد گوناگون در کتب حدیثی خود نقل کرده‌اند افرادی مانند احمد بن حنبل در «مسند»، (احمد بن حنبل، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۱۸۳، ح ۶۴۵) ابن ابی شیبیه در «المصنف»، (ابن ابی شیبیه، ۱۴۲۶ق: ج ۸، ۶۷۸، ح ۱۹۰) نعیم بن حماد در «الفتن»، (ابن حماد، ۱۴۲۴ق: ۲۹۵، ح ۱۱۲۵) ابویعلی در «مسند» (ابی یعلی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ۲۴۴، ح ۴۶۱) و الدانی در «السنن». (الدانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ۱۰۵۹).

۱. در این جا ممکن است این پرسش در ذهن خواننده پدید آید که حسینی بودن امام مهدی علیه السلام از موارد اختلافی میان شیعه و اهل سنت است پس چرا به عنوان دلیلی بر برخی اشتراکات فریقین اقامه شده است؟ پاسخ این است که گرچه این موضوع اختلافی است نه اشتراکی، ولی از این نکته اختلافی چند موضوع مشترک به دست می‌آید به این بیان که گرچه شیعه ایشان را فرزند امام حسین و اهل سنت ایشان را فرزند امام حسن می‌دانند اما از آن جا که هر یک از امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هستند پس شیعه و اهل سنت در این که امام مهدی علیه السلام فرزند حضرت فاطمه علیها السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از اهل بیت پیامبرند اشتراک نظر دارند. بر این پایه یک موضوع اختلافی (حسینی یا حسینی بودن مهدی موعود) خود یکی از استدلالات بر چند موضوع اشتراکی است که عبارتند از فاطمی بودن امام مهدی علیه السلام، فرزند پیامبر بودن و از اهل بیت پیامبر بودن، گفتنی است فاطمی بودن و فرزند پیامبر بودن در ادامه اشتراکات خواهد آمد.

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «المهدی منا اهل البيت یصلحه الله فی لیلته» (ابن ماجه، ۱۴۲۴ق: ج ۲، ۱۳۶۷، ح ۴۰۸۵).

سند این روایت در نگاه بسیاری از حدیث‌شناسان از درجه اعتبار برخوردار است برخی آن را صحیح (احمد بن حنبل، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۵۸، ح ۶۴۵؛ البانی، ۱۴۰۸ق: ج ۶، ۲۲، ح ۶۶۱۱؛ البانی، ۱۴۰۵ق: ح ۲۳۷۱) و پاره‌ای آن را حسن شمرده‌اند. (مناوی، ۱۴۱۵ق: ج ۶، ۲۷۸؛ بستوی، ۱۴۲۰ق: ۱۵۷)

حاکم نیشابوری به تنهایی چهار حدیث به این مضمون روایت کرده است که از دید خودش سه حدیث دارای اعتبارند و یک حدیث از آن سه براساس ملاکی که بخاری و مسلم در صحیحین برای اعتبار حدیث ذکر کرده‌اند معتبرند ولی بخاری و مسلم آن حدیث را در صحیحین نیاورده‌اند.

آن حدیث روایتی است از ابی سعید خدری که می‌گوید:

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: قیامت برپا نمی‌گردد تا این که زمین از ستم و دشمنی پر شود سپس شخصی از اهل بیت من که زمین را از عدل و داد پر می‌کند قیام خواهد کرد. (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۱ق: ج ۵، ۴۵۴، ح ۸۸۴۷)

حاکم پس از نقل این حدیث می‌نویسد:

این حدیث براساس معیار بخاری و مسلم صحیح است و آن دو این حدیث را در صحیحین نیاورده‌اند. (همو)

دو حدیث دیگر از سه حدیثی که حاکم آنها را معتبر می‌داند براساس ملاک مسلم در صحیح خود معتبرند و حال آن که بخاری و مسلم آن دو را روایت نکرده‌اند.

آن دو حدیث این چنین‌اند:

پیامبر ﷺ فرمود: مهدی از ما اهل بیت است... (همو: ح ۸۸۴۸).

پیامبر ﷺ فرمود: پس مردی از خاندان من قیام می‌کند... (همو: ح ۸۸۵۲).

وی پس از نقل این دو حدیث نوشته است:

این دو حدیث براساس معیار مسلم صحیح‌اند و بخاری و مسلم این دو حدیث را در صحیحین نیاورده‌اند. (همو: ۴۵۴، ح ۸۸۴۸؛ ۴۵۵، ح ۸۸۵۲)

این مضمون را صنعانی در المصنف (صنعانی، ۱۴۲۳ق: ج ۱۱، ۱۶۸، ح ۲۰۷۷۰) و ابن حبان در صحیح خود^۱ نیز نقل کرده‌اند.

۱. به نقل بستوی از صحیح ابن حبان (بستوی، ۱۴۲۰ق: ۲۸۷).

بر این اساس، یکی از عقائد اهل سنت در معارف مهدوی این است که مهدی موعود علیه السلام در زمره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

امام مهدی علیه السلام فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله

از عقائد مشترک شیعه و اهل سنت در موضوع مهدویت که از روایات فریقین استفاده می‌شود این است که امام مهدی علیه السلام فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از نسل ایشان می‌باشد.

روایات شیعه

مجموع روایاتی که در مصادر حدیثی شیعه بر این عقیده به شکل‌های گوناگون دلالت دارند به اندازه‌ای فراوانند که ادعای تواتر در مورد آن‌ها درست و منطقی می‌باشد. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۳۲، ۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۶۷، ح ۷ و ۷۱ و ۱۹۱ و ۲۴۸؛ صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ۸۰؛ صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۵۱ و ۲۶۰، ح ۷ و ۶ و ۸ و ۲۸۰، ح ۲۷ و ۲۸۲، ح ۳۴ و ۲۸۶ و ۲۸۷، ح ۱ و ۴ و ۵ و ۷؛ صدوق، ۱۳۷۸ش: ج ۲، ۲۰۲ و ۲۶۵؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۴۶ و ۳۷۱-۳۷۲؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۷-۱۸۸؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۱۵۵، ح ۸؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۳، ۲۲۸ و ۲۵۸؛ مغربی، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ۱۸۸-۱۸۹؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۳۸۶ و ۴۲۴ و ۴۵۵)

در میان این روایات متواتر، روایاتی هستند که به شکل مطابقی و صریح بر فرزندگی مهدی موعود علیه السلام برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دلالت می‌کنند این روایات به دلیل مستفیض بودن می‌توانند اطمینان به صدور را پدید آورند. (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۷۱ و ۲۴۸؛ صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۵۱ و ۲۶۰ و ۲۷ و ۶ و ۸ و ۲۸۰، ح ۲۷ و ۲۸۲، ح ۳۴ و ۲۸۶ و ۲۸۷، ح ۴ و ۵ و ۷؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۷۱-۳۷۲؛ صدوق، ۱۳۷۸ش: ج ۲، ۲۰۲؛ مغربی، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ۱۸۸-۱۸۹؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۳۸۶ و ۴۲۴ و ۴۵۵)

افزون بر این، در میان این روایات احادیثی با سند معتبر دیده می‌شود که یکی از بهترین اسناد و مضامین آن‌ها این‌گونه است؛

شیخ صدوق نقل می‌کند که:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی از فرزندان من است اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. از نظر خلق و خلق شبیه‌ترین مردم به من است، برای او غیبت و حیرتی است تا جایی که مردم از ادیان‌شان گمراه می‌شوند، آن‌گاه مانند شهاب ثاقب پیش می‌آید و زمین را پراز

عدل و داد می‌کند همان گونه که پراز ظلم و جور شده باشد.^۱

مرحوم صدوق در روایت دیگری چنین نقل کرده است:

عبدالله بن عباس می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: پس از من خلفا و اوصیاء و حجت‌های الهی بر خلق، دوازده نفرند که اول آنان برادرم و آخرین ایشان فرزند من است. گفتند: ای رسول خدا برادر شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی‌طالب علیه السلام، گفتند: فرزند شما کیست؟ فرمود: مهدی، کسی که زمین را پراز عدل و داد می‌کند همان گونه که پراز ظلم و جور شده باشد...^۲

افزون بر این، روایاتی که مهدی موعود علیه السلام را از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله (همین نوشتار) و احادیثی که ایشان را فرزند فاطمه زهرا علیها السلام (همین نوشتار) و فرزند امام حسین علیه السلام می‌دانند به صورت دلالت التزامی امام مهدی علیه السلام را فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می‌کنند زیرا از نظر شیعه،

۱. «حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ النَّحْسَنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْمُتَوَكِّلُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ جَمِيعاً قَالُوا حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ وَ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْزِيِّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ جَمِيعاً قَالُوا حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَرَادٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وَ لَدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهَ النَّاسَ بِي خَلْقاً وَ خَلْقاً تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ حَتَّى تَصِلَ الْخَلْقُ عَنْ أَدْيَانِهِمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَقْبَلُ كَالسَّهَابِ النَّاقِبِ فَيَمْلُؤُهَا قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلماً وَ جَوْرًا.» همان گونه که ملاحظه می‌شود در برخی از طبقات سند، راویان متعدد و جلیل القدری وجود دارند که اگر ادعا کنیم این موضوع اطمینان به صدور را در پی دارد ادعای گزافی نکرده‌ایم (صدوق، ۱۳۹۵، ج: ۱، ۲۸۷).

همه راویان این حدیث به اتفاق همه رجال شناسان از ثقات، و بیشتر آنان از اجلاء مشایخ حدیث به شمار می‌روند. برای اطلاع از وثاقت و جلالت قدر افراد زیر به مصادر رجالی پیش رو مراجعه شود؛ علی بن حسین پدر مرحوم صدوق (نجاشی، ۱۴۰۸، ج: ۲۶۱) محمد بن حسن بن ولید (خوبی، ۱۴۱۳، ج: ۱۶، ۲۱۹-۲۲۰) سعد بن عبدالله (همو: ج: ۹، ۷۷-۷۸) عبدالله بن جعفر حمیری (همو: ج: ۱۱، ۱۴۸) محمد بن یحیی العطار (همو: ج: ۱۹، ۳۳) احمد بن محمد بن عیسی (همو: ج: ۳، ۸۶-۸۷) محمد بن حسین بن ابی الخطاب (همو: ج: ۱۶، ۳۰۸) حسن بن محبوب (همو: ج: ۶، ۹۶) ابی بصیر لیث المرادی (همو: ج: ۱۵، ۱۴۴-۱۵۰) و برای اطلاع از وثاقت افراد زیر به مصادر مربوطه مراجعه شود؛ محمد بن موسی المتوکل (خوبی، ۱۴۱۳، ج: ۱۸، ۳۰۰) ابراهیم بن هاشم (همین نوشتار) احمد بن ابی عبدالله برقی (خوبی، ۱۴۱۳، ج: ۳، ۵۰-۵۲) داود بن الحصین (همو: ج: ۸، ۱۰۲-۱۰۳) همین متن با سند دیگر در جای دیگری از کمال الدین چنین نقل شده است: «حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مَسْرُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مَسْرُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ...» (صدوق، ۱۳۹۵، ج: ۱، ۲۸۶).

۲. «حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ...» (صدوق، ۱۳۹۵، ج: ۱، ۲۸۶).

اهل بیت پیامبر ﷺ، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندان ایشان می باشند (همین نوشتار) و حضرت زهرا علیها السلام و فرزندان شان فرزند پیامبر ﷺ می باشند، پس امام مهدی ﷺ نیز فرزند پیامبر ﷺ می باشد.

روایات اهل سنت

این موضوع که امام مهدی ﷺ از نسل پیامبر ﷺ است، یکی از عقائد مورد قبول اهل سنت است. 'شاهد این ادعا روایات متعددی است که در منابع حدیثی اهل سنت نقل شده است.

(ابی داوود، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۸۸، ح ۴۲۸۵؛ ابن اثیر، بی تا: ح ۷۸۱۳؛ کنجی شافعی، ۱۴۰۴ق:

باب ۸، ۳۱؛ مناوی، ۱۴۱۵ق: ح ۹۲۴۴)

ابی داوود در سنن از ابی سعید خدری روایت کرده است که:

رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی ﷺ از نسل من است... (ابی داوود، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۸۸، ح ۴۲۸۵).

پیرامون سند این حدیث حدیث شناسان و رجالیان زیادی آن را معتبر دانسته اند، برخی مانند سیوطی آن را صحیح (سیوطی، ۱۹۹۴م: ۱۸۷) و برخی همچون بستوی و البانی آن را حسن شمرده اند. (بستوی، ۱۴۲۰ق: ج ۱، ۱۶۶؛ البانی، ۱۴۰۸ق: ج ۶، ۲۲، رقم ۶۶۱۲)

افزون بر این، روایاتی که امام مهدی ﷺ را فرزند فاطمه زهرا علیها السلام دانسته (همین نوشتار) و یا ایشان را از اولاد امام حسن مجتبی ﷺ می دانند نیز بالملازمه بر این که امام مهدی ﷺ فرزند پیامبر اکرم ﷺ است دلالت می کنند.

مفاد این روایات، به انضمام این مطلب مسلم و قطعی که امام حسن مجتبی ﷺ فرزند فاطمه زهرا علیها السلام است و فاطمه زهرا علیها السلام فرزند پیامبر ﷺ می باشد ما را به این نتیجه خواهد رساند که از منظر اهل سنت مهدی موعود ﷺ فرزند پیامبر ﷺ است.

امام مهدی ﷺ فرزند حضرت فاطمه علیها السلام

از مشترکات شیعه و اهل سنت در احادیث مهدویت این است که امام مهدی ﷺ فرزند

۱. آقای فقیه ایمانی در کتاب «أصالة المهدویة فی الإسلام»، صفحه ۶۹-۷۴ بیش از ۵۰ تن از عالمان و محدثان اهل سنت را ذکر کرده است که این عقیده را ابراز نموده اند برخی از آنان از این قرارند: بخاری در التاريخ الكبير، ج ۳، ۳۴۶، رقم ۱۱۷۱؛ غماری در ابراز الوهم المکنون، ۲۹۱-۲۹۵؛ کنجی شافعی در البیان فی اخبار صاحب الزمان، ۹۸؛ ذهبی در تذکرة الحفاظ، ج ۱، ۴۶۳-۴۶۴.

حضرت فاطمه علیها السلام است.

روایات شیعه

این مضمون، در منابع اصیل و دست اول شیعه با اسناد گوناگون و معتبر به شکل‌های متفاوت روایت شده است که در نگاه کلی به مجموع آنها ادعای تواتر درست و منطقی می‌باشد. (کلینی ۱۴۰۷ق:، ج ۱، ۵۳۲، ح ۹؛ صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۰۴، ح ۱۶ و ۳۱۵-۳۱۶، ح ۲؛ صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ۸۰، مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۴۶؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۷-۱۸۸؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۱۵۵، ح ۸؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۹۷، ح ۳ و ۲۲۴-۲۲۶، ح ۴؛ فرات الکوفی، ۱۴۱۰ق: ۱۷۹؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۳، ۲۲۸ و ۲۵۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۱، ۲۸۸؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۴۰۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۲۸۸)

در این میان، روایاتی هستند که به صورت صریح و به دلالت مطابقی فاطمی بودن مهدی موعود را بیان می‌کنند. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۴۹، ح ۱۰؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۴۷، ح ۱؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۵، ح ۱۴۴؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۶۹، ح ۴۵۷؛ صافی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۴۷-۱۵۲) مرحوم شیخ طوسی چنین نقل می‌کند:

مهدی علیه السلام مردی از فرزندان فاطمه علیها السلام است و او مردی گندم‌گون می‌باشد.^۱

شیخ کلینی با سندی معتبر از جابر بن عبدالله انصاری این‌گونه روایت می‌کند:

به محضر حضرت فاطمه علیها السلام وارد شدم در حالی که در برابر ایشان تخته‌ای بود که در آن نام‌های اوصیاء از فرزندان ایشان در آن نوشته شده بود آن‌ها را شمردم دوازده تن بودند که آخرین آنها قائم بود سه تن از این دوازده تن نام‌شان محمد و سه تن علی بود.^۲

۱. أَخْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْمُتَخَلِّ بْنِ جَمِيلٍ عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ وَهُوَ رَجُلٌ آدَمٌ» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۷) راویان حدیث ثقه‌اند به جز منخل بن جمیل: احمد بن ادریس (خوبی، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۴۶-۴۷) علی بن محمد بن قتیبه (آیت‌الله زنجانی، ۱۴۱۹ق: ج ۸، ۲۵۵۴) فضل بن شاذان (جوهری، ۱۴۲۴ق: ۴۵۶) محمد بن سنان، (آیت‌الله زنجانی، ۱۴۱۹ق: ج ۱۴، ۴۷۱۹-۴۷۲۰) عمار بن مروان، (خوبی، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۲۷۵) جابر بن یزید (آیت‌الله زنجانی، ۱۴۱۹ق: ج ۱۸، ۵۹۴۹) منخل بن جمیل (خوبی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۹، ۳۵۷).

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي الْجَزَّادِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عليها السلام وَبَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهَا فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ أَحْرَهُمُ الْقَائِمُ عليه السلام ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ» مرحوم صدوق این حدیث را با کمی اختلاف در متن در کتب متعددی نقل کرده است (صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ۱۸۰؛ صدوق، ۱۳۶۲ش: ج ۲، ۴۷۸، ح ۴۲؛ صدوق، ۱۳۷۸ش: ج ۱، ۴۷، ح ۷؛ صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۶۹، ح ۱۳) همچنین مرحوم شیخ مفید این حدیث را مطابق متن مرحوم

پاره‌ای از روایات نیز بالملازمه بر فاطمی بودن مهدی موعود دلالت دارند مانند روایاتی که مهدی موعود را فرزند امام حسین یا فرزند یکی از فرزندان امام حسین می‌داند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۶۷، ۷؛ صدوق، ۱۳۷۸ش: ج ۲، ۲۶۵-۲۶۶؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۹۱؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۳، ۵۰۵، ۳۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۷۶، ۳۲؛ صافی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۵۸-۲۰) زیرا در دیدگاه فریقین، مسلم است که امام حسین علیه السلام فرزند حضرت فاطمه علیها السلام می‌باشد.

روایات اهل سنت

فاطمی بودن مهدی موعود علیه السلام در روایات فراوانی در منابع دست اول اهل سنت منعکس شده است. (ابی داوود، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۱۰۶، ۴۲۸۵؛ ابن ماجه، ۱۴۲۴ق: ج ۴۰۸۶؛ ابن حماد، ۱۴۲۴ق: ۳۷۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۱ق: ج ۵، ۴۵۴، ۸۸۴۷ و ج ۵، ۴۵۴، ۸۸۴۹ و ج ۸۸۵۰؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۱۸۳، ۶۴۵؛ طبرانی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰، ۱۳۵، ۱۰۲۲۴؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۲۶ق: ج ۸، ۶۷۸، ۱۹۴ و ۱۹۰)

برخی روایات فاطمی بودن مهدی موعود علیه السلام را با صراحت بیان کرده‌اند.

ابی داوود از ام سلمه این گونه نقل می‌کند:

شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که می‌فرمود: مهدی علیه السلام از خاندان من از فرزندان فاطمه علیها السلام است. (ابی داوود، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۸۸، ۴۲۸۴)

ابن ماجه و دیگران با تفاوتی اندک با متن بالا، این چنین از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کنند:

مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام است. (ابن ماجه، ۱۴۲۴ق: ج ۴۰۸۶؛ ابن حماد، ۱۴۲۴ق: ۳۷۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۱ق: ج ۵، ۴۵۴، ۸۸۴۹ و ج ۸۸۵۰؛ متقی هندی، ۱۴۰۵ق: ج ۱۴، ۲۶۴، ۳۸۶۶۲)

صدوق به نقل از کافی چنین نقل کرده: أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ «دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَبَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ وَالْأَيْمَةِ مِنْ وَلَدِهَا فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ اسْمًا أَحْزُهُمُ الْقَائِمُ مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ ثَلَاثَةَ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَارْتَبَعَهُ مِنْهُمْ عَلِيٌّ» (كليني، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۳۲؛ مفيد، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۴۶) رجال هر دو سند بی تردید همگی از بزرگان رواات و اجلاء ثقات اند به جز ابی الجارود که جلالت وی ثابت نیست ولی وثاقتش ثابت است، جعفر بن محمد بن قولویه (خوبی، ۱۴۱۳ق: ج ۵، ۷۶) محمد بن یحیی (همین نوشتار) محمد بن الحسین ابن ابی الخطاب (خوبی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۶، ۳۰۸) حسن بن محبوب (همین نوشتار) ابی الجارود (زیاد بن منذر) (خوبی، ۱۴۱۳ق: ج ۸، ۳۳۶).

این حدیث از جهت سندی معتبر است، برخی آن را صحیح و بعضی حسن می‌دانند.^۱ پاره‌ای از روایات به صورت دلالت التزامی فاطمی بودن مهدی موعود علیه السلام را بیان کرده‌اند مانند روایتی که امام مهدی علیه السلام را فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام معرفی کرده‌اند. اکثریت اهل سنت این روایت را پذیرفته‌اند و از آن جا که امام مجتبی علیه السلام فرزند حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است پس فاطمی بودن مهدی موعود علیه السلام اثبات می‌گردد. نتیجه این که بنا بر روایات معتبر اهل سنت، از منظر آنان اعتقاد به فاطمی بودن مهدی موعود اعتقادی صحیح و مبتنی بر اسناد معتبر و دلالت‌هایی گویا و رساست. از این روی این موضوع از مشترکات فریقین در احادیث مهدویت به شمار می‌رود.

همنام بودن امام مهدی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

یکی از موارد اشتراک شیعه و اهل سنت در احادیث مهدویت همنام بودن مهدی موعود علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که هم در احادیث شیعه و هم اهل سنت روایات معتبری دارد همان گونه که در ادامه روشن خواهد شد.

روایات شیعه

همنامی مهدی موعود علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از موضوعاتی است که در متون دینی شیعه اعم از روایات، ادعیه و زیارات در حد تواتر معنوی بیان شده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۳۲؛ سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۶۲۷ و ۹۵۸؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ج ۲ و ۱۲۰؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ج ۶۷ و ۲۹۶؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ج ۹۳ و ۲۳۱؛ مغربی، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ۱۸۸؛ صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ۱۸۰؛ صدوق، ۱۳۶۲ش: ج ۲، ۴۷۸، ۴۲۲؛ صدوق، ۱۳۷۸ش: ج ۱، ۴۷، ۷۶ و ۷؛ صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۶۹؛ ح ۱۳ و ۲۸۶، ح ۱ و ۲۸۷، ح ۴ و ۳۱۲ و ۳۱۳، ح ۴ و ج ۲، ۴۰۹، ح ۹ و ۴۱۱، ح ۶ و ۴۳۲، ح ۱۰؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ۲۰۸؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۴۰ و ۳۴۶؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۲۹۷؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ج ۱۳۹ و ۱۸۱؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ج ۴۷۷، ۷۱؛ قمی، ۱۳۸۴ش: (۸۱۶)

مرحوم شیخ صدوق روایتی را در کمال‌الدین آورده است که همه راویان آن به اتفاق همه

۱. سیوطی در الجامع الصغیر، ۱۸۷ آن را صحیح، عزیزی در سراج المنیر، ج ۴، ۵۳۰ و بستوی در المهدی المنتظر، ۲۰۳ آن را حسن می‌دانند و البانی در سلسله الاحادیث الضعیفه و الموضوعه، ج ۱، ۹۳ و در حاشیه مشکلات المصاییح، ج ۳، ۲ نوشته: «راویان این حدیث همگی ثقات هستند».

رجال شناسان از ثقات، و بیشتر آنان از اجلاء مشایخ حدیث به شمار می‌روند. افزون بر این، در برخی از طبقات سند آن، راویان متعدد و جلیل القدری وجود دارند که اگر با توجه به این دو نکته اطمینان به صدور را ادعا کنیم ادعای گزافی نکرده‌ایم.^۱

آن روایت این چنین است؛

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: مهدی از فرزندان من است اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. از نظر خلق و خلق شبیه ترین مردم به من است...^۲

شیخ کلینی با سندی معتبر از جابر بن عبدالله انصاری این گونه روایت می‌کند: به محضر حضرت فاطمه علیها السلام وارد شدم در حالی که در برابر ایشان تخته‌ای بود که در آن نام‌های اوصیاء از فرزندان ایشان در آن نوشته شده بود آن‌ها را شمردم دوازده تن بودند که آخرین آنها قائم بود سه تن از این دوازده تن نامشان محمد و سه تن علی بود.^۳

آن سه امامی که نامشان محمد است عبارتند از؛ امام محمدباقر، امام محمدتقی و امام مهدی علیه السلام.

روایات اهل سنت

همنامی مهدی موعود علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایات متعددی در منابع اهل سنت، بیان شده است. این روایات، اسناد متعددی دارند ولی همگی به ابن مسعود منتهی می‌گردد. در این روایات سه متن اصلی وجود دارد که تا حدود زیادی به هم نزدیک‌اند.

متن اول

عبدالله بن مسعود از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند:

دنیا به پایان نمی‌رسد تا این که مردی از اهل بیت من که هم نام من است بر عرب پادشاهی خواهد کرد.^۴

۱. سند حدیث در ص ۷ همین نوشتار مفصلاً بررسی شده است.

۲. عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وَٰلِدِي اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَخُلُقًا...» (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸۷).

۳. «عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ علیها السلام وَبَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهَا فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ أَحْرَهُمُ الْقَائِمُ علیه السلام ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۳۲) برای اعتبار سند به همین نوشتار مراجعه کنید.

۴. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «لَا تَذْهَبُ (لَا تَنْقُضُ) الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَٰوَطِئُ

این روایت را محدثان بزرگ اهل سنت در مجامع حدیثی با اسناد گوناگون و در مواضع متعددی نقل کرده‌اند که همه آن اسناد در سه نفر پایانی مشترک هستند؛ آن سه نفر عبارتند از: عاصم بن بهدله، زر بن حبیش و عبدالله بن مسعود.

برخی از این محدثان عبارتند از:

ابی داوود در سنن با سه طریق، (ابی داود، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۸۷) ترمذی در سنن با اندک اختلافی در سند، (ترمذی، ۱۴۲۱ق: ج ۴، ۵۰۵) احمد بن حنبل با اندک اختلافی در متن و سند در دو موضع از مستدرس، (احمد بن حنبل، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۱۰-۱۱، ح ۳۵۷۲ و ۳۵۷۱ و ۳۵۷۳) طبرانی در المعجم الکبیر با هفت طریق. (طبرانی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰، ۱۶۴-۱۶۷) از نظر اعتبار این اسناد، بیشتر رجالیان اهل سنت این اسناد را صحیح شمرده‌اند^۱ و برخی نیز بین هر دو عنوان جمع کرده‌اند مانند خود ترمذی که پس از نقل این حدیث نوشته است که:

هذا حدیث حسن صحیح (ترمذی، ۱۴۲۱ق: ج ۴، ۵۰۵).

اما پیرامون دلالت حدیث و این که مقصود از «رجل من اهل بیتی» همان مهدی موعود علیه السلام می‌باشد، بستوی نوشته است که:

این حدیث را ابی داوود در کتاب المهدی سنن خود و ترمذی و دانی نیز در باب روایاتی که در مورد مهدی موعود رسیده آورده‌اند و عالمان نیز از گذشته تاکنون این روایات را بر مهدی موعود حمل کرده‌اند و هیچ کسی حتی کسانی که منکر مهدویت هستند با این تفسیر از روایات مخالفتی نکرده‌اند.^۲

متن دوم

ابن حبان در صحیح خود و طبرانی در المعجم الکبیر از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده‌اند: اگر از دنیا تنها یک شب مانده باشد مردی از اهل بیت من که هم نام من است به حکومت خواهد رسید.^۳

اسمه اسمی» (ابی داود، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۸۷).

۱. احمد بن حنبل (۱۴۱۴ق: ج ۵، ۱۹۹، ح ۳۵۷۲ و ۳۵۷۳ و ج ۶، ۷۴، ح ۴۰۹۸ و ج ۶، ۱۳۹، ح ۴۲۷۹)؛ البانی (۱۴۰۸ق:

ج ۶، ۱۴۲، ح ۷۱۵۲) و بستوی آن را صحیح لغیره می‌داند. (بستوی، ۱۴۲۰ق: ۲۵۱)

۲. «و الحدیث اخرج ابو داود فی کتاب المهدی و الترمذی فی باب ما جاء فی المهدی و ابو عمرو الدانی فی باب ما جاء فی المهدی و قد حمله العلماء سلفا عن خلف علی المهدی و لم یخالفهم فیہ احد فیما علمت حتی المنکرین للمهدویة» (بستوی، ۱۴۲۰ق: ۲۵۲).

۳. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لو لم یبق من الدنیا الا لیله لملک رجل من اهل بیتی یواطئ اسمه اسمی» (ابن حبان، ۱۴۱۸ق: ج ۷، ۲۳۵؛ طبرانی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰، ۱۶۴، ح ۱۰۲۱۶).

بستوی پس از بررسی راویان این حدیث نوشته است:

النتیجه: الحدیث حسن (بستوی، ۱۴۲۰ق: ۲۵۷).

متن سوم

ابونعیم در *أخبار اصیبهان و حلیة الاولیاء و طبرانی در المعجم الکبیر و ذخائر العقبی* و دیگر محدثان این گونه از رسول خدا ﷺ روایت کرده‌اند:
در پایان این امت مردی از اهل بیت من که هم نام من است عهده دار ولایت و حکومت بر این امت خواهد شد.^۱

دکتر بستوی این حدیث را حسن دانسته است. (بستوی، ۱۴۲۰ق: ۲۶۱)
نتیجه این که از روایات پیشین به دست می‌آید که هم نامی امام مهدی ﷺ با پیامبر ﷺ یکی از اعتقادات اهل سنت در معارف مهدوی است که مبتنی بر دلالت روشن روایات معتبر است.

بر این پایه، اعتقاد به همان‌نامی پیامبر اسلام ﷺ و امام مهدی ﷺ نیز از دیدگاه‌های مشترک میان شیعه و اهل سنت در مباحث مهدویت می‌باشد.

ویژگی‌های ظاهری امام مهدی ﷺ

یکی از مشترکات شیعه و اهل سنت در موضوع مهدویت اوصاف ظاهری امام مهدی ﷺ است مقصود از اوصاف ظاهری اوصافی است که به چهره و بدن ایشان مربوط می‌شود شیعه و اهل سنت روایات مشترکی دارند که به برخی ویژگی‌های چهره و بدن ایشان پرداخته‌اند. در میان روایات معتبر فریقین، تنها دو صفت از اوصاف ظاهری ایشان مطرح شده است: ۱. اقلنی الانف (کشیده بینی)؛ ۲. اجلی الجبین (بلند پیشانی).

۱. اقلنی الانف (کشیده بینی)

اقلنی از ریشه «قنو» و به معنای بینی کشیده‌ای است که در وسط آن برآمدگی وجود داشته و سوراخ‌های آن تنگ است.^۲

۱. قال رسول الله ﷺ: «یلی امر هذه الامه فی آخر زمانها رجل من اهل بیته یواطئ اسمه اسمی» (ابونعیم اصفهانی، ۱۹۳۴م: ج ۱، ۳۲۹؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۳۸۷ق: ج ۵، ۷۵؛ طبرانی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰، ۱۶۷، ح ۱۰۲۲۷؛ طبری، ۱۹۷۴م: ۱۳۶؛ متقی هندی، ۱۴۰۵ق: ج ۷، ۱۸۸).

۲. القنؤ: العذق، ... و أما القنأ الذی هو الاحدیداب فی الأنف فتشبهه فی الهیئة بالقنأ. یقال: رجل اقلنی، و امرأة قنؤاء.»

روایات معتبر فریقین بر وجود این صفت در سیمای امام مهدی علیه السلام دلالت می‌کنند.

روایات شیعه

در چند روایت و نقل در منابع حدیثی شیعه به صفت «کشیده و برآمده بودن بینی» امام مهدی علیه السلام اشاره شده است. (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۱۵، ح ۲؛ صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۶۸؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۶۹؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۶۶)

شیخ صدوق با سند معتبر داستانی را از دیدار ابراهیم بن مهزیار با امام مهدی علیه السلام در سن نوجوانی ایشان نقل کرده و در ضمن این داستان پر محتوا و مهم ویژگی‌های ظاهری مهدی موعود علیه السلام را از قول ابن مهزیار توصیف می‌کند.

وی از زبان ابن مهزیار چنین می‌نویسد:

به شهر مدینه وارد شدم و از اخبار خاندان ابو محمد حسن بن علی عسکری تفحص کردم و به خبری دست نیافتم از آن‌جا به مکه رفتم و در آن‌جا با جوانی آشنا شدم... همراه او به سمت طائف رهسپار شدم و بیابان‌ها را در نور دیدیم و فلاتی را پشت سر گذاشتیم تا آن‌که خیمه‌ای پشمین بر ما نمودار گردید که بر بلندی ریگستانی برپا شده بود و بقاع اطراف خود را روشن کرده بود، او نخست به درون چادر رفت تا برای ورودم اجازه بگیرد و به آن‌ها سلام کرد و از وجودم آن‌ها را مطلع گردانید، آن‌گاه محمد بن الحسن بیرون آمد و او جوانی نورس و نورانی و سپید پیشانی بود با ابروانی گشاده و گونه و بینی کشیده و قامتی بلند و نیکو چون شاخه سرو و گویا پیشانی‌ش ستاره‌ای درخشان بود...^۱

روایات اهل سنت

القنؤ: خوشه و شاخه تر، ... و اما - قنأ - که همان کژی یا برآمدگی روی بینی است از نظر شکل تشبیهی است به نیزه که در پرتاب به شکل نیم‌دایره‌ای پرتاب می‌شود و حرکت می‌کند. رجل أفتی و امرأة قنؤاء: مرد و زن بینی برآمده. ابن اثیر در نهاییه می‌نویسد: «فی صفته «كان أفتی العرین» القنا فی الأنف: طولہ و رقّة أرنبته مع حدب فی وسطه. و العرین: الأنف. و منه الحدیث «یملك رجل أفتی الأنف» یقال: رجل أفتی و امرأة قنؤاء» (ابن اثیر، بی‌تا: ج ۴، ۱۱۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۸۷-۶۸۶).

۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: قَدِمْتُ مَدِينَةَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَبَحِثْتُ عَنْ أَخْبَارِ آلِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْأَخِيرِ عَلَيْهِ السَّلَام فَلَمْ أَقْعُ عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا... فَشَخَّصْتُ مَعَهُ إِلَى الطَّائِفِ أَنْتَحِلُّ زَمْلَةً فَرَمَلَةً حَتَّى أَخَذَ فِي بَعْضِ مَخَارِجِ الْفَلَاةِ فَبَدَتْ لَنَا خِيْمَةٌ شَعْرٌ قَدْ أَشْرَفَتْ عَلَى أَكْمَةِ زَمَلٍ تَتَلَأَلُ تِلْكَ الْبِقَاعِ مِنْهَا تَلَأَلُوا فَبَدَرَنِي إِلَى الْإِذْنِ وَ دَخَلَ مُسَلِّمًا عَلَيْهِمَا وَ أَعْلَمَهُمَا بِمَكَانِي فَخَرَجَ عَلَيَّ أَحَدُهُمَا وَ هُوَ الْأَكْبَرُ سِتًّا مَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام وَ هُوَ غُلَامٌ أَمْرُدٌ نَاصِعُ اللَّوْنِ وَاضِحُ الْجَبِينِ أَنْبَلَجَ الْحَاجِبِ مَسْنُونُ الْخَدَّيْنِ أَفْتَى الْأَنْفِ أَشْمُ أَرْوَعُ كَأَنَّهُ غُضُنُ بَابٍ وَ كَأَنَّ صَفْحَةَ غُرْتِهِ كَوَكْبٌ دُرِّي (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۴۵-۴۴۶) ... برای وثاقت محمد بن موسی بن المتوکل و حمیری، به همین نوشتار مراجعه کنید؛ ابراهیم بن مهزیار نیز گفته است (حکیم، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ۳۸۲؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ۱۵۹).

کشیده بینی بودن امام مهدی علیه السلام در روایات متعددی در منابع حدیثی اهل سنت نقل شده است که از نظر اعتبار سندی دو روایت دارای اسناد معتبری هستند.

حدیث اول

ابی داوود در سنن چنین روایت کرده است:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مهدی از من است (او) پیشانی بلند کشیده بینی (است)....^۱

به جزابی داوود محدثان دیگری نیز این روایت را نقل کرده‌اند افرادی همچون حاکم نیشابوری، نعیم بن حماد (با چهار سند) و... (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۱ق: ج ۵، ۴۵۴؛ ابن حمتد، ۱۴۲۴ق: ۲۸۶-۲۸۷؛ ابن اثیر، بی تا: ح ۷۸۱۳؛ کنجی شافعی، ۱۴۰۴ق: باب ۸، ح ۳۱؛ مناوی، ۱۴۱۵ق: ج ۶، ۳۶۲، ح ۹۲۴۴).

در مورد سند این روایت برخی مانند سیوطی آن را صحیح و برخی همچون البانی و بستوی آن را حسن شمرده‌اند. (سیوطی، ۱۹۹۴م: ۱۸۷؛ آلبانی، ۱۴۰۸ق: ج ۶، ۲۲، رقم ۶۶۱۲؛ بستوی، ۱۴۲۰ق: ۱۶۶)

حدیث دوم

ابن حبان در صحیح خود و احمد ابن حنبل در مسند این چنین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند:

قیامت برپا نمی‌شود تا این که مردی از اهل بیت من به پادشاهی می‌رسد که پیشانی بلند و بینی کشیده و برآمده‌ای دارد (او) زمین را از عدل پر می‌کند همان گونه که پیش از وی از ظلم پر شده است....^۲

بستوی پس از بررسی رجال سند نوشته: «سند این حدیث حسن است» (بستوی، ۱۴۲۰ق: ۲۹۷).

به این ترتیب در این دو حدیث از نظر صدور اشکالی وجود ندارد اما از نظر دلالت حدیث دوم با صراحت از مهدی نام برده و دلالت روشنی بر کشیده بینی بودن ایشان دارد ولی در حدیث نخست واژه مهدی نیامده و تنها تعبیر «رجل من اهل بیتی» مطرح است ولی به این دلیل که

۱. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «المهدی منی اجلی الجبهه اقلی الانف...» (ابی داوود، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۸۸، کتاب المهدی، ح ۴۲۸۵)

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لاتقوم الساعه حتی یملک رجل من اهل بیتی اجلی اقلی یملؤ الأرض عدلاً کما ملئت قبله ظلماً...» (ابن حبان، ۱۴۱۸ق: ج ۸، ۲۹۴؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ۱۷)

در ادامه می‌فرماید: «وی زمین را پراز عدل می‌کند همان گونه که پیش از وی پراز ستم شده است» معلوم می‌شود که مقصود از «رجل من اهل بیتی» همان مهدی موعود علیه السلام است زیرا در سایر روایات این تعبیر پیرامون مهدی موعود علیه السلام به کار رفته است. (ابی داوود، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۱۰۶، ح ۴۲۸۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۱ق: ج ۴، ۵۵۷)

روی همین جهت است که محدثان اهل سنت این روایات و امثال آن‌ها را در کتب حدیثی خود در ابوابی که مربوط به مهدی موعود علیه السلام است گردآوری کرده‌اند همان گونه که در مبحث هم نامی مهدی موعود علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شد. (همین نوشتار)

۲. أجلي الجبین (پیشانی بلند)

واژه أجلي از ریشه «جلو» است به معنی آشکار شدن و به مردی که پیشانی یا بعضی سر او بی‌مواست «رَجُلٌ أَجَلِيٌّ» گفته می‌شود^۱ در نتیجه می‌توان أجلي را به معنای پیشانی بلند دانست به ویژه این که تعبیر أجلي و جلواء به جبین یا جبهه نسبت داده شده و گفته می‌شود: «رَجُلٌ أَجَلِيٌّ الْجَبْهَةِ وَأَجَلِيٌّ الْجَبِينِ» (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۹، ۲۹۰) یا «جَبْهَةٌ جَلْوَاءٌ» (ابن منظور، ۱۴۲۴ق: ج ۱۴، ۱۵۱) و این صفت سبب زیبایی در مرد می‌شود و به همین جهت است که أجلي به خوشرو و زیباروی نیز معنا شده است. (همو)

ابن اثیر در توصیف مهدی موعود علیه السلام در کتاب لغت خویش می‌نویسد:

به درستی که مهدی أجلي الجبهه است أجلي کسی است که موی میان دو گیجگاه وی کم است و کسی که موی پیشانی او ریخته است.^۲

روایات شیعه

در مصادر حدیثی شیعه تنها یک روایت از طریق راویان شیعه نقل شده است که صفت پیشانی بلند بودن امام مهدی علیه السلام را با تعبیر «أجلي» بیان کرده است که آن هم مرسل است و بی‌اعتبار (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۱۵) و به جز این یک روایت همه روایات دیگری که در کتب

۱. أصل الجلو: الكشف الظاهر، يقال: أجليث القوم عن منازلهم فجلوا عنها. أي: أبرزتهم عنها،... و رجل أجلي: انكشف بعض رأسه عن الشعر... أصل - جَلُو - آشکار شدن و کشف کردن است، گفته می‌شود: آن عده را از منازلشان کوچاندم و آنها نیز بیرون رفته و جلای وطن کردند... رجل أجلي - مردی که جلو سرش کم مو است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۰).

۲. أنه (ای المهدی) أجلي الجبهة الأجلي الخفيف شعر ما بين النزعتين من الصدغين والذى انحسر الشعر عن جبهته... این جمله در نهاییه ابن اثیر حاکی از اعتقاد وی به این صفت در مورد امام مهدی علیه السلام است (ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ۲۹۰).

حدیثی شیعه آمده است یا تمام راویانش از اهل سنت اند (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۶۹ و ص ۴۷۰ و ۴۸۱؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷ق: ۴۳۳؛ (سید بن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۲۷۴؛ ورام، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۱۹) و یا بخشی از سند را راویان اهل سنت تشکیل می دهند. (طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۶۹ و ۴۸۱)

با این حال در نظر گرفتن مجموع دو نکته پیش رو می تواند صفت بلند پیشانی بودن را از منظر شیعه به اثبات برساند، گرچه همان گونه که خواهد آمد، نکته نخست برای اثبات مطلب به تنهایی کفایت کرده و نکته دوم را مؤید آن می توان قرار داد.

نکته اول: داستان معتبر دیدار ابن مهزیار با امام مهدی

همان گونه که گفتیم در روایات شیعه، حدیث معتبری که صفت بلند پیشانی بودن مهدی را با تعبیر «أجلی» بیان کرده باشد وجود ندارد ولی این صفت با تعبیر دیگری در روایتی معتبر منعکس شده است.

شیخ صدوق با سند معتبر داستانی را از دیدار ابراهیم بن مهزیار با امام مهدی علیه السلام در سن نوجوانی ایشان نقل کرده و در ضمن این داستان پر محتوا و مهم ویژگی های ظاهری مهدی موعود علیه السلام را از قول ابن مهزیار توصیف می کند.

وی از زبان ابن مهزیار این چنین می نویسد:

به شهر مدینه وارد شدم و از اخبار خاندان ابو محمد حسن بن علی عسکری تفحص کردم و به خبری دست نیافتم از آن جا به مکه رفتم و در آن جا با جوانی آشنا شدم... همراه او به سمت طائف رهسپار شدم و بیابانها را در نور دیدیم و فلاتی را پشت سر گذاشتیم تا آن که خیمه ای پشمین بر ما نمودار گردید که بر بلندی ریگستانی برپا شده بود و بقاع اطراف خود را روشن کرده بود، او نخست به درون چادر رفت تا برای ورودم اجازه بگیرد و به آنها سلام کرد و از وجود آنها را مطلع گردانید، آن گاه محمد بن الحسن بیرون آمد و او جوانی نارس و نورانی و بلند پیشانی بود با ابروانی گشاده و گونه و بینی کشیده و قامتی بلند و نیکو چون شاخه سرو و گویا پیشانی اش ستاره ای درخشان بود... (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۴۵-۴۴۶).^۱

همان گونه که در این حدیث، لفظ «أجلی» وجود ندارد ولی معنی و مفهوم آن با تعبیر «واضح الجبین» بیان شده است. این نکته نیز لازم به ذکر است که در پاره ای از روایات، صفت

۱. سند حدیث در صفحه در همین نوشتار بررسی شده است (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۴۵-۴۴۶).

پیشانی بلند بودن امام مهدی علیه السلام با عبارت «صلت الجبین»^۱ بیان شده است که این روایات از نظر سندی فاقد اعتبارند ولی برای تأیید مناسب اند.^۲

نکته دوم: تعداد فراوان روایات اهل سنت

همان گونه که در بحث اثنی عشری بودن امام مهدی علیه السلام گذشت و در ادامه نیز خواهد آمد پیرامون پیشانی بلند بودن امام مهدی علیه السلام در منابع روایی اهل سنت روایات فراوانی با اسناد متعدد وجود دارد و این موضوع می تواند به حصول اطمینان و وثوق به وجود این صفت در امام مهدی علیه السلام کمک کند.

برخی از محدثان شیعه در موضوع محل کلام پس از نقل روایات اهل سنت بلند پیشانی بودن مهدی موعود علیه السلام را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شکل قطعی نسبت داده و آن را به عنوان یک اعتقاد جزمی و مسلم اظهار داشته اند و این دلیل است بر این که از روایاتی که از طرق اهل سنت و در مجامع روایی آنان نقل شده اطمینان یا گمان قوی به صدور پیدا کرده اند زیرا در این موضوع از شیعه روایتی را نقل نکرده اند و فقط روایات اهل سنت را دلیل بر بلند پیشانی بودن مهدی موعود علیه السلام قرار داده اند.

اربعی در کشف الغمّه پس از نقل روایات اهل سنت می نویسد:

از آن جا که رسول الله مهدی را به صفات متعددی همانند نسب و اسم او و این که از فرزندان فاطمه و عبدالمطلب است، و گشاده پیشانی و بلند بینی است و ویژگی های دیگر توصیف فرموده و این اوصاف و ویژگی ها را دلالت کننده و علامت برای مهدی موعود علیه السلام قرار داده و به دنبال آن احکامی که در روایات برای مهدی موعود علیه السلام بیان شده است جریان پیدا می کند. (اربعی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۳۹)

۱. «الصَّلْتُ: الجَبِين الواضِح». (جوهری، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۲۵۶)

۲. سند مرحوم شیخ صدوق چنین است: «حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ وَجَدْتُ فِي كِتَابِ أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الطَّوَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الطَّبْرِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزَبَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ سَمِعْتُ جَدِّي عَلِيَّ بْنَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزَبَارٍ يَقُولُ...» (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۶۸، ۲۲، باب ۴۲؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۶۶) مشکل سند مجهول بودن محمد بن احمد الطوال، پدرش و حسن بن علی الطبری و عدم توثیق علی بن ابراهیم بن مهزیار است، (خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۲، ۲۱۲) سند حدیث الغیبه شیخ طوسی این گونه است: «وَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنِ الثَّلُجُكِيِّ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الرَّازِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ رَجُلٍ ذَكَرَ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ قَزْوِينَ لَمْ يَذْكُرْ اسْمَهُ عَنْ حَبِيبِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسَ بْنِ شَادَانَ الصَّنْعَانِي قَالَ دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزَبَارٍ الْأَهْوَازِيِّ فَسَأَلْتُهُ عَنْ آلِ أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام فَقَالَ...» اشکال سند، مردی از اهل قزوین است که حال وی معلوم نیست و علی بن ابراهیم بن مهزیار که توثیق ندارد. (همو)

بر اساس این دو نکته می‌توان صفت أجلی الجبین (پیشانی بلند) بودن امام مهدی علیه السلام را به عنوان یکی از اعتقادات شیعه در معارف مهدوی به اثبات رساند.

روایات اهل سنت

صفت پیشانی بلند بودن مهدی موعود در روایات متعددی در منابع حدیثی اهل سنت نقل شده است که از نظر اعتبار سندی دو روایت دارای اسناد معتبری هستند. این دو روایت در بحث اقنی الانف (کشیده بینی) بودن امام مهدی علیه السلام گذشت (همین نوشتار) یکی از آن دو روایت چنین است:

پیامبر اکرم فرمودند: مهدی از من است (او) پیشانی بلند کشیده بینی (است) ...^۱

در مورد سند این روایت برخی مانند سیوطی آن را صحیح و برخی همچون آلبانی و بستوی آن را حسن شمرده‌اند. (سیوطی، ۱۹۹۴م: ۱۸۷؛ آلبانی، ۱۴۰۸ق: ج ۶، ۲۲، رقم ۶۶۱۲؛ بستوی، ۱۴۲۰ق: ۱۶۶)

بر پایه درستی سند و دلالت دو روایت پیشین و تایید سایر روایات، می‌توان گفت: یکی از اعتقادات اهل سنت در مورد امام مهدی دو ویژگی ظاهری در آن حضرت است که وی دارای پیشانی بلند و آشکار است و به این جهت خوشرو و زیباروی است و دارای بینی کشیده‌ای است که در میان آن برآمدگی وجود دارد. در نتیجه این دو ویژگی از مشترکات شیعه و اهل سنت در معارف مهدوی به شمار می‌آید.

نتیجه‌گیری

نتیجه این شد که روایات معتبر فریقین در اوصاف شخصی و ظاهری امام مهدی علیه السلام مشترک‌اند این اوصاف عبارتند از: امام مهدی علیه السلام از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فرزند ایشان و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هستند، ایشان همان پیامبر بوده و کشیده بینی و بلند پیشانی می‌باشند.

۱. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «المهدی منی اجلی الجبهه اقنی الانف...» (ابی داوود، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۱۰۶، ح ۴۲۸۵).

منابع

قرآن کریم

- ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، المصنف، الطبعة الثانية، دار الکتب العلمیہ، بیروت، ۱۴۲۶ق
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، جامع الاصول، مکتبہ الحلوانی، قاہرہ، بی تا
- _____، النهاية فی غریب الحدیث والأثر، چاپ اول، اسماعیلیان، قم، بی تا
- ابن بابویہ، علی بن الحسین، الامامہ والتبصرہ من الحیرہ، چاپ اول، مدرستہ الامام المہدی علیہ السلام، قم، ۱۴۰۴ق
- ابن بطریق، یحیی بن حسن، عمدہ عیون صحاح الاخبار، چاپ اول، جامعہ مدرسین، قم، ۱۴۰۷ق
- ابن حبان الخرسانی، محمد، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، الطبعة الثالثة، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۱۸ق
- ابن حماد، نعیم، الفتن، الطبعة الاولى، المکتبہ الحیدریہ، نجف، ۱۴۲۴ق
- ابن حنبل، احمد، مسند احمد، الطبعة الثانية، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق
- ابن شہر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، چاپ اول، علامہ، قم، ۱۳۷۹ق
- ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمہ فی معرفہ الأئمة، الطبعة الاولى، المجمع العالمی لاهل البيت، ۱۴۲۷ق
- ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن، چاپ اول، موسسہ صاحب الامر، قم، ۱۴۱۶ق
- ابن ماجہ، محمد بن یزید، سنن ابن ماجہ، الطبعة الاولى، مکتبہ ابن حجر، دمشق، ۱۴۲۴
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، الطبعة الثامنة، دار صادر، بیروت، ۱۴۲۴ق
- ابو یعلی، احمد بن علی، مسند ابی یعلی، دار القبلة، جدہ، ۱۴۰۸ق
- ابی داود، سلیمان بن الأشعث، سنن ابی داود، الطبعة الثالثة، دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۰ق
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمہ فی معرفہ الأئمة، چاپ اول، بنی ہاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.
- اصفہانی، ابو نعیم، اخبار اصبہان، بی نا، لیدن، ۱۹۳۴م
- _____، حلیہ الاولیاء، چاپ پنجم، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۳۸۷ق
- آلبانی، محمد ناصر الدین، سلسلہ الاحادیث الصحیحہ، المکتب الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۵ق

- _____ ، *سلسله الاحادیث الضعیفه*، الطبعة الاولى، دارالفکر، دمشق، ۱۳۷۹ق
- _____ ، *صحیح جامع الصغیر*، المكتب الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۸ق
- بخاری محمد بن اسماعیل، *التاریخ الکبیر*، دارالفکر، بیروت، بی تا
- بستوی، عبدالعلیم، *الموسوعه فی احادیث المهدی الضعیفه والموضوعه*، الطبعة الاولى، دارابن حزم، بیروت، ۱۴۲۰ق
- _____ ، *المهدی المنتظر*، الطبعة الاولى، دارابن حزم، بیروت، ۱۴۲۰ق
- ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن*، الطبعة الثالثة، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۱ق
- جواهری، محمد، *المفید من معجم رجال الحدیث*، الطبعة الثانية، محلاتی، قم، ۱۴۲۴ق
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، چاپ اول، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۱۰ق
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، چاپ اول، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۱ق
- _____ ، *اثبات الهداه*، چاپ اول، اعلمی، بیروت، ۱۴۲۵ق
- حکیم، سیدمحسن، *مستمسک العروه الوثقی*، چاپ اول، دارالتفسیر، قم، ۱۴۱۶ق
- حمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الإسناد*، چاپ اول، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۳ق
- حویزی، عبد علی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، الطبعة الاولى، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق
- خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایه الاثر*، بیدار، قم، ۱۴۰۱ق
- _____ ، *الخطیب التبریزی*، محمد بن عبدالله، *مشکات المصابیح*، تحقیق الالبانی، الطبعة الاولى، المكتب الاسلامی، بیروت، ۱۳۸۰ق
- _____ ، *سیدابوالقاسم*، *معجم رجال الحدیث*، الطبعة الخامسة، بی نا، بی جا، ۱۴۱۳ق
- دانی، عثمان بن سعید، *السنن الواردة فی الفتن*، دارالعاصمه، ریاض، ۱۴۱۶ق
- _____ ، *راغب اصفهانی*، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، چاپ اول، دارالعلم، بیروت، ۱۴۱۲ق
- _____ ، مرتضی، *تاج العروس*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق
- _____ ، *زنجانی*، سید موسی شبیری، *کتاب نکاح*، چاپ اول، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، قم، ۱۴۱۹ق
- _____ ، *سیوطی*، جلال الدین، *الجامع الصغیر*، دارالفکر، بیروت، ۱۹۹۴م
- _____ ، *الدرالمثور*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق

- شرف الدين، سيد عبدالحسين، *المراجعات*، الطبعة الرابعة، الدار الاسلامية، بيروت، ١٤١٧ق
- صافى، لطف الله، *منتخب الاثر*، الطبعة الاولى، مكتب المؤلف، قم، ١٤٢٢ق
- صدوق، محمد بن على، *الخصال*، چاپ اول، جامعه مدرسين، قم، ١٣٦٢ش
- _____، *كمال الدين وتمام النعمة*، چاپ دوم، اسلاميه، تهران، ١٣٩٥ق
- _____، *من لا يحضره الفقيه*، چاپ دوم، جامعه مدرسين، قم، ١٤١٣ق
- _____، *عيون أخبار الرضا*، چاپ اول، نشر جهان، تهران، ١٣٧٨ش
- صنعانى، عبدالرزاق، *المصنف*، الطبعة الاولى، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٢٣ق
- طبرانى، سليمان بن احمد، *المعجم الكبير*، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٠٤ق
- طبرسى، احمد بن على، *الاحتجاج*، چاپ اول، نشر مرتضى، مشهد، ١٤٠٣ق
- طبرسى، فضل بن حسن، *مجمع البيان*، الطبعة الاولى، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤١٢ق
- _____، *إعلام الورى بأعلام الهدى*، چاپ سوم، اسلاميه، تهران، ١٣٩٠ق
- طبرى، احمد بن عبدالله، *ذخائر العقبى*، دارالمعرفه، بيروت، ١٩٧٤م
- طبرى، محمد بن جرير بن رستم، *دلائل الامامه*، چاپ اول، بعثت، قم، ١٤١٣ق
- طوسى، محمد بن حسن، *الغيبه*، چاپ اول، دارالمعارف الإسلامية، قم، ١٤١١ق
- _____، *تهذيب الاحكام*، چاپ چهارم، دارالكتب الاسلاميه، تهران، ١٤٠٧ق
- _____، *الامالى*، چاپ اول، دارالثقافه، قم، ١٤١٤ق
- عزيزى، *السراج المنير شرح الجامع الصغير*، المطبعة الميمينية، بی جا، ١٣١٢ق
- غمارى، سيد احمد بن الصديق، *ابراز الوهم المكنون*، مكتبه الازهریه، قاهره، ١٣٨٩ق
- فرات كوفى، ابن ابراهيم، *تفسير فرات الكوفى*، چاپ اول، مؤسسة الطبع و النشر فى وزاره الارشاد الاسلامى، تهران، ١٤١٠ق
- فقيه ايمانى، مهدى، *اصاله المهدويه فى الاسلام*، ترجمه سيد محمدرضا مهري، الطبعة الاولى، مؤسسة المعارف الاسلاميه، قم، ١٤٢٠ق
- فيض كاشانى، محمد محسن، *تفسير صافى*، مكتبه الصدر، تهران، ١٣٧٤ش
- قشبرى نيشابورى، *مسلم بن الحجاج*، صحيح مسلم، دارالحديث، قاهره، ١٤١٢ق
- قمى، عباس، *مفاتيح الجنان*، چاپ اول، انتشارات فاطمة الزهراء، قم، ١٣٨٤ش
- قمى، على بن ابراهيم، *تفسير قمى*، چاپ سوم، دارالكتاب، قم، ١٤٠٤ق

- کنجی شافعی، محمد بن یوسف، *البيان في اخبار صاحب الزمان*، دار احیاء تراث اهل البيت، تهران، ۱۴۰۴ق
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الكافي*، چاپ چهارم، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ق
- متقی هندی، علاء الدین علی، *البرهان في علامات مهدي آخر الزمان*، مطبعة الخيام، قم، ۱۳۹۹ق
- _____، *كنز العمال*، الطبعة الخامسة، الرسالة، بیروت، ۱۴۰۵ق
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق
- مجلسی، محمدتقی، *روضه المتقين*، چاپ دوم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، قم، ۱۴۰۶ق
- مغربی، نعمان بن محمد، *دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام*، چاپ دوم، مؤسسة آل البيت، قم، ۱۳۸۵ق
- مفید، محمد بن نعمان، *الإختصاص*، چاپ اول، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق
- _____، *الفصول المختاره*، چاپ اول، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق
- _____، *الإرشاد في معرفه حجج الله على العباد*، چاپ اول، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، چاپ هفدهم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۹ش
- مناوی، فیض التقدیر، الطبعة الاولى، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق
- نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۸ق
- نسایی، احمد بن شعیب، *السنن الكبرى*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ق
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، چاپ اول، صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، *مجموعه ورام*، چاپ اول، مکتبه فقیه، قم، ۱۴۱۰ق
- هلالی، سلیم بن قیس، *کتاب سلیم بن قیس*، چاپ اول، الهادی، قم، ۱۴۰۵ق

